

# کیمیا

**دشمن‌شناسی** شناخت راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های دشمنان به عنوان نقشه راه، ضرورت است. همان طوری که نظام ولای اسلامی می‌بایست نقشه راه داشته باشد، باید از نقشه راه دشمن نیز آگاهی و شناخت جامع و کاملی داشته و در تقابل با آن برنامه‌ریزی کند. قرآن به عنوان راهنمای هدایت بشر به سوی خوشبختی دنیوی و اخروی، فلسفه و سبک زندگی اسلامی را بیان کرده‌است.از جمله آموزه‌های قرآنی، در حوزه شناخت دشمنان و سیاست‌های آنان، سیاست پیشروی **گام‌به‌گام دشمن** تا سلطه کامل بر امت اسلام و مسلمانان است. نویسنده در **مطلب حاضر** به تبیین این آموزه قرآنی در حوزه دشمن شناسی پرداخته است.

**دشمن‌شناسی، گامی برای رهایی از توهم**
شاید بارها این جمله را در رسانه‌های دیداری و شنیداری ده‌باشید که «توهم توطئه و یا تو هم دشمن یک بیماری در دولتمردان است که سیاست‌های خود را براساس آن سامان دهی کرده و جامعه را به خطر موهوم سرگرمی می‌کنند.» این سخن از یک لحاظ به ما نشان می‌دهد که تا چه اندازه دشمن شناسی، لازم و ضروری است؛ زیرا همان اندازه که توهم توطئه و یا توهم دشمن خطرناک است و قوت و ظرفیت جامعه را در مسیری نادرست قرار می‌دهد و هزینه‌های بسیاری را بر جامعه تحمیل می‌کند، واژگونه دیدن و وارونه نشان دادن واقعیت و حقیقت نیز می‌تواند بسیار خطرناک باشد؛ زیرا تبدیل یک واقعیت و حقیقت به توهم می‌تواند جامعه را از دشمن در کمین نشسته غافل سازد و زمینه سلطه دشمن یا نابودی جامعه را به دنبال داشته باشد. بنابراین، لازم است در مسئله دشمن‌شناسی با هوشیاری و چشم‌ان باز برخورد کرد و به گمانه‌زنی پسنده نکرد و به دنبال تجسس و رصد رفتارهای دشمن بر آمد. البته خردمندان هر قوم و جامعه‌ای احتمال وجود دشمن یا حرکت احتمالی او را می‌دهند و عملیات احتیاطی را برای مقابله و یا ارباب و ترساندن دشمن انجام می‌دهند؛ زیرا دشمن در همه حال دشمن است حتی اگر با لیخنند به استقبال شما بیاید و شما را به آغوش بگیرد و در برابر رسانه‌های ارتباطی جهانی از دوستی و عبور از دشمنی‌های پیشین سخن به میان آورد.

خداوند در آیات بسیاری بیان می‌کند که هر انسانی، یک دشمن اساسی و کینه‌توز و سوگند خورده به نام ابلیس دارد که با شیطنت خویش می‌کوشد تا انسان را از سعادت ابدی محروم سازد. (بقره، آیات ۱۶۸ و ۲۰۸؛ انعام، آیه ۱۴۲؛ اعراف، آیه ۲۲) این دشمن سوگند خورده کینه‌توز دارای ویژگی‌هایی است که از جمله آن، سیاست گام‌به‌گام (همان)، دیده نشدن (اعراف، آیه ۲۷)، حضور در ذهن و قلب آدمی و وسوسه‌گری (اعراف، آیه ۲۰؛ طه، آیه ۱۰۲؛ ناس، آیه ۵) و بهره‌گیری از همه ابزارها و افراد انسانی و حتی در قالب دوستی شیطانی (بقره، آیه ۱۴؛ انعام، آیه ۱۱۲؛ اسراء، آیه ۲۷) و مانند آنهاست.

دشمن‌شناسی به ما این امکان را می‌دهد تا نقاط قوت و ضعف دشمن را بشناسیم و به مقایسه و سنجش خود با دشمن بپردازیم

و برای رفع نقاط ضعف خود و بهره‌گیری از نقاط ضعف دشمن برنامه‌ریزی داشته باشیم.

همچنین دشمن‌شناسی به ما این امکان را می‌دهد تا گرفتار توهم‌های پوچ و خیالی نشویم. پس در جایی که دشمن توانایی ندارد، وقت و هزینه نخواهیم کرد و در جایی که دشمن توانایی دارد خود را به تغافل و غفلت نمی‌زنیم و هوشیارانه با کنش‌ها و واکنش‌هایش برخورد کرده و با رصد دقیق فعالیت‌ها و اقدامات

اسلام و رهبر اسلامی سخنی بگویند آنان دقیقاً سخنی ضد آن بر زبان می‌رانند. (زخرف، آیات ۵۷ و ۵۸) همچنین دشمن، فریبکار و مکار است و تلاش می‌کند تا با فریبکاری زمینه را برای ضربه زدن و سلطه فراهم آورد. (اعراف، آیه ۲۲؛ طه، آیات ۱۱۷ تا ۱۲۱)

از دیگر نشانه‌هایی که می‌توان برای شناخت دشمن بهره برد، زیر نظر گرفتن رفتار کسانی است که احتمال همکاری با دشمن از آنان می‌رود. عقل حکم به احتیاط در باره این افراد می‌کند و باید آنان را از اصل کلی برائت جدا کرد؛ زیرا شناخت دوستان دشمن در داخل ضروری است. اصولاً دشمنان با دوستان داخلی خود روابط مرموز و نهایی دارند و به یکدیگر پیام می‌فرستند و به اشکال گوناگون حتی رمز و به تعبیر قرآن وحی (انعام، آیه ۱۱۲) با هم ارتباط برقرار می‌کنند. این مسئله در جهان امروز به شکل فرستادن پیام‌کا‌ها و فیلم و مانند آن صورت می‌گیرد.

## معارف Maaref@Kayhan.ir

## \* از سیاست‌های تقابلی در برابر دشمن، سیاست ارباب با فراهم آوری‌عده و عده و تهیه تجهیزات و نفرات نظامی به مقدار استطاعت است. به این معنا که هر چه در توان جامعه اسلامی است باید برای مقابله با دشمن فراهم آید و به نمایش گذاشته شود تا دشمن بر اثر وحشت و ترس عقب‌نشینی کند.

فتح نماید. (همان)
نخستین فشارهایی که دشمن بر جامعه اسلامی وارد می‌کند در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی است. تهاجم فرهنگی گام نخست دشمن است تا با ایجاد شبهات و تردیدافکنی‌ها روحیه و روان جامعه اسلامی را هدف قرار دهد. افزایش ناپهنجاری‌ها یا شعارهای رنگین و زیبا و فریبنده (انعام، آیه ۱۱۲) و فروپاشی خانواده به عنوان بنیاد جامعه و هنجارشکنی و افزایش منکرات و فحشا؛ از جمله سیاست‌های دشمن در فتح سنگر به سنگر جامعه و مادی‌گرانه است.

یکی از سیاست‌های تقابلی قرآن در برابر دشمنان، سیاست ممنوعیت ارتباط جامعه اسلامی با دشمنان است. خداوند در آیاتی از قرآن ممنوعیت دوستی اهل ایمان با دشمنان را صادر کرده است. از جمله در آیه ۱ سوره ممتحنه می‌فرماید که جامعه اسلامی و مومنان، موظف به اجتناب از دوستی با دشمنان هستند. بنابراین هرگونه ارتباطی با دشمن از سوی جامعه اسلامی و مومنان ممنوع است و اگر در سطح رهبران ارتباطی انجام می‌گیرد می‌بایست در جهت تضمین حاکمیت و حکومت و اقتدار جامعه اسلامی باشد.

البته برخی از احقنان از مسلمانان سست ایمان همچون منافقان گمان می‌کنند که خداوند از دوستی آنان با دشمن آگاه نیست و با این دوستی سودی برای آنان خواهد داشت، در حالی که هم خدا آگاه است و هم این دوستی برای آنان نتیجه‌ای جز بدیختی و عذب دنیوی و اخروی نخواهد داشت. (ممتحنه، آیات ۱ تا ۳) خداوند به صراحت در این آیات بیان می‌کند که دوستی پنهانی با دشمنان خدا، موجب گمراهی و حرکت بی‌فراچم آنان خواهد شد.

اصولاً از نظر اسلام دوستی با دشمن، با ایمان ناسازگار است و کسی که مدعی اسلام و ایمان است به طور طبیعی نمی‌تواند با دشمنان ارتباط دوستی داشته باشد. (مجادله، آیه ۲) این بدان معنا خواهد بود که مدعیان اسلام و ایمان، با دوستی با دشمنان نشان می‌دهند که اهل اسلام و ایمان نیستند و جزو جر که منافقان قرار می‌گیرند.

از نظر قرآن دوستی با دشمنان و بدتر پذیرش سلطه آنان در هر بخش هر چند جزئی و کوچک با اصولی چون رضایتمندی خدا، ایمان، جهاد و مانند آن در تضادی آشکار است.(ممتحنه، آیات ۱ تا ۳) کسانی که با دشمنان دوستی می‌ورزند و با آنان با لیخنند مواجه می‌شوند و دست در دست با آنان می‌روند و می‌آیند، در حقیقت هیچ اعتقادی به قیامت و بازخواست الهی ندارند؛ زیرا اگر چنین اعتقادی داشتند هرگز تن به دوستی و رفاقت با آنان نمی‌دادند. خداوند به صراحت در آیه پیش گفته بیان می‌کند که توجه به روز جزا و این کسه در این روز همه روابط فامیلی و دوستی‌ها گسسته خواهد شد و تنها خدا می‌ماند و اعمال آدمی، مانع دوستی حتی با خویشانوندایی می‌شود که دشمن خدا هستند.

پس چگونه مسلمانی به خود اجازه می‌دهد تا با دشمن بیگانه و خارجی دوستی داشته باشد و ولایت و سرپرستی آنان را بپذیرد و آنان برای او و جامعه اسلامی تعیین تکلیف کنند که چه بکند و چه بخرد و با چه کسی رابطه داشته باشد و با چه کسی قطع رابطه کند.

از نظر قرآن حزب‌الله در برابر حزب شیطان است و اگر کسی بخواد در حزب‌الله قرار گیرد باید با دشمن قطع رابطه کند تا رستگاری دنیا و آخرت را برای خود و جامعه اسلامی رقم زند. (مجادله، آیه ۲۲) اگر چنین اتفاقی بیفتد خداوند با امدادهای خود جبران کمبود را خواهد کرد و مشکلات را حل می‌کند. (همان)

**سیاست پایداری و مقاومت و سیاست ارباب (ترساندن)**
سیاست تقابلی اسلام در برابر سیاست‌های گام به گام دشمن، شامل مجموعه‌ای از سیاست‌ها؛از جمله سیاست پایداری و مقاومت است که در آیات قرآن بیان شده است. خداوند از رهبر و مردم جامعه می‌خواهد تا یاد خداوند در برابر دشمن صبر و استقامت داشته باشند و گواهِ نیاریند و عقب‌نشینی نکنند. (هود، آیه ۱۱۲ بقره، آیه ۲۵۰؛ آل‌عمران، آیه ۱۴۷) بنابراین اگر در شرایطی تاکتیک و ساز و کار عقب‌نشینی تجویز می‌شود تنها برای مردم جامعه تقویت مواقع و حمله سسمگین‌تر و سخت‌تر به دشمن است. (انفال، آیه ۱۶)

از دیگر سیاست‌های تقابلی در برابر دشمن، سیاست ارباب با فراهم آوری عده و عده و تهیه تجهیزات و نفرات نظامی به مقدار استطاعت است. به این معنا که هر چه در توان جامعه اسلامی است باید برای مقابله با دشمن فراهم آید و به نمایش گذاشته شود تا دشمن بر اثر وحشت و ترس عقب‌نشینی کند. در حقیقت سیاست ترساندن دشمن با فراهم آوری همه ابزارهای مسلط و دفاع موجب می‌شود که دشمن ترس داشته باشد و اقدام به حمله نکند. این سیاست دفاعی از مهم‌ترین ابزارهایی است که دشمن را به عقب‌نشینی وا می‌دارد. (انفال، آیه ۶۰)

البته در قرآن سیاست‌های دیگری برای تقابل با سیاست‌های مزورانه و گام به گام دشمن بیان شده که بیرون از حوصله این مقال است.

با این همه می‌توان یک نتیجه کلی از مباحث بیان شده گرفت و آن اینکه دشمن با سیاست گام به گام بر آن است تا نسل کشی کرده و با گفتمان انقلاب اسلامی را نابود نموده و گفتمان خویش را مسلط سازد. این سیاست تا زمان دست‌یابی به غایت و هدف نهایی ادامه خواهد یافت و جامعه اسلامی نباید گمان کند که با عقب‌نشینی می‌تواند جلوی دشمن را بگیرد بلکه باید با بهره‌گیری از سیاست‌هایی چون سیاست مقاومت و پایداری و سیاست ارباب دشمن را مجبور به عقب‌نشینی کند.

پس سیاست‌های گام به گام دشمن در راستای این اهداف

## پنج صفت جامع هستی

در قرآن برای هستی پنج صفت و ویژگی بیان شده که عبارتند از:
**۱- اقبال و تسلیم بودن هستی:** در آیه ۸۳ آل عمران آمده است: *وَلَهُ سُلْطٰنٌ فِی السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ؛* هر کسی در آسمان و زمین است برای خداوند تسلیم و منقاد است. این اسلام به معنای اقبال و تسلیم محض است؛
**۲- تسبیح هستی:** همه هستی در حال تسبیح گویی خداوند است؛ **۳- تعظیم هستی:** این تسبیح همواره به «تعظیم» آمیخته است. خداوند در آیه ۴۴ سوره اسراء می‌فرماید: *مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یَسْبِیْحُ بِحَمْدِهِ؛* چیزی نیست مگر آنکه همراه با حمد، تسبیح خدا

### معارف

صفحه ۶
یکشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶
۱۹شعبان ۱۴۳۶ - شماره ۲۶-۲۱

## چراغ راه لزوم ثبات قدم در راه اهل‌بیت (ع)

قال‌الصادق(ع) «**یاتی علی الناس زمان، یغیب عنهم امامهم فیاطوبی للثابتنین علی امرنا فی ذلک الزمان**»
امام‌صادق(ع) فرمود: زمانی برای مردم فرا می‌رسد که امامشان غایب می‌گردد، ای خوششا به حال آنان که در امر ولایت و امامت و پیروی از دستورات و سنت و سیره ما در آن زمان ثابت قدم باشند.<sup>(۱)</sup>

## ۱- اثبات الهداة، ج ۶، ص ۶۰۴ حکایت خوبان

**بقیه‌الله و منتقم الهی**
احمدبن اسحاق نقل می‌کند: به حضور امام‌حسن عسکری(ع) رسیدیم، به قصد اینکه در مورد جانشینی آن حضرت از ایشان سوال کنیم. هنگام ورود و پیش از طرح پرسش، آن حضرت خطاب به من فرمود: «ای احمد بن اسحاق! خداوند تبارک و تعالی از زمان حضرت آدم(ع) زمین را خالی از حجت نگذاشته است و تا روز قیامت نیز خالی از حجت نمی‌گذارد. به واسطه او است که بلا را از اهل زمین دفع می‌کند و به خاطر او است که باران رحمت می‌فرستد و برکات زمین را بیرون می‌آورد.»
عرض کردم: ای فرزند رسول خدا(ص) امام و جانشین پس از شما کیست؟ حضرت برخاست و داخل حجره شد و سپس بازگشت در حالی که کودک سه ساله‌ای بر روی شانه‌اش بود و صورتش مانند ماه شب چهارده می‌درخشید فرمود: ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خداوند تعالی و امامان و حجت‌های الهی گرامی و با اعتبار نبودی این فرزندان را به تو نشان نمی‌دادم، و بعد در ادامه فرمود: او همان هم که کنیه رسول خدا(ص) است و کسی است که زمین را پر از عدل و داد می‌کند، همچنان که پر از ظلم و جور شده باشد.

من عرض کردم ای مولای من، آیا نشانه‌ای هست تا قلبم به واسطه آن مطمئن گردد؟

در این حال آن کودک به زبان عربی فصیح شروع به صحبت کرد و فرمود: من هستم کسی که خداوند بر روی زمین باقی گذارده است و انتقام گیرنده از دشمنان خدا هستم. «انا بقیه‌الله فی الارض، و المنتقم من اعادته» و بعد در ادامه فرمود: ای احمد بن اسحاق! حال که مرا مشاهده کردی، در جستجوی نشانه مباش.<sup>(۱)</sup>

## ۱- بعار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۴ پرسش و پاسخ

## تعیین مصادیق نشانه‌های ظهور

**پرسش:**
**آیا در عصر غیبت کبری می‌توان علائم و نشانه‌های ظهور امام‌زمان(عج) را بر مصادیق خاص تطبیق و تعیین نمود؟**
**پاسخ:**
بر اساس آموزه‌های وحیانی، در عصر غیبت کبری و فلسفه غیبت آن حضرت، مسلمانان از تعیین وقت ظهور، ادعای مشاهده و رویت امام‌زمان(عج) و تعیین و تطبیق علائم ظهور با مصادیق خاص منع شده و مدعیان در این رابطه دروغگو، طاغوت و… نامیده شده‌اند.

به هر حال در روایات رسیده از انماطهار(ع) مطالبی در مورد نشانه‌های ظهور امام‌زمان(عج) مطرح شده که بر فرض صحت سند و دلالت آنها، تطبیقتشان بر حوادث و جریاناتی که در هر زمان رخ می‌دهد منجیح نیست، چرا که پدیده‌های ناگوار زیادی در پی دارد که در اینجا به همه آنها اجمالاً اشاره می‌کنیم:
**۱- تا صیحه آسمانی نشینده نشود هیچ تطبیقی درست نیست**
تطبیق و تعیین مصادیق علائم ظهور اساسا تا قبل از خروج سفیانی و صیحه آسمانی امکان ندارد و هرگونه تطبیقی در این شرایط غلط و نادرست بوده و با واقعیات و حقایق ظهور انطباقی ندارد.

**۲- تطبیق‌ها منجر به تعیین زمان ظهور می‌شود.**
زمانی که بعضی علائم و نشانه‌ها را برلان مصادق خاص تطبیق می‌دهیم، در واقع مردم را مزده می‌کنیم که عصر ظهور نزدیک است. زیرا گاهی فاصله زمانی برخی نشانه‌ها و ظهور حضرت در روایات مشخص شده است. به عنوان نمونه در حدیث معتبری از امام‌صادق(ع) آمده است که خروج سفیانی در ماه رجب است، یعنی شش ماه قبل از آنکه حضرت ظهور کند سفیانی خروج خواهد کرد. با در روایات معتبری دیگری داریم که نفس زکیه ۱۵ شب قبل از ظهور کشف می‌شود، یا صیحه آسمانی در ماه رمضان است که ماه محرم آن ظهور اتفاق می‌افتد.
با این اوصاف اگر بخواهیم دست روی شخصیتی بگذاریم و بگوییم این آقا سفیانی است، آن آقا سید خراسانی یا سیدیمانی یا شعب بن صالح است به الزام ادعا می‌کنیم که این عصر، عصر ظهور است و ظهور امام‌زمان(عج) شش ماه دیگر اتفاق خواهد افتاد و این همان مصداق تعیین وقت است که خود حضرت چنین افرادی را کتاب و دروغگو نامیده است.

**۲- نسبت دادن چیزی به اهل‌بیت(ع) بدون حجت شرعی گناه است**

زمانی که ما روایات را بر مصادیق تطبیق می‌کنیم و می‌گوییم این شخص سفیانی است، آن شخص سید خراسانی و سیدیمانی است در واقع داریم به مردم اعلام می‌کنیم که آنچه را که پیامبر اسلام(ص)، امام‌علی(ع) و امام‌صادق(ع) در مورد علائم ظهور فرمودند، اینها همان مصادیق سخنان آن بزرگواران هستند، و در اینجا ما چیزی را به انمه(ع) و پیامبر گرامی(ص) نسبت می‌دهیم که اگر خدایی ناکرده با براین و ادله قوی همراه نباشد از مصادیق بارز گناه واقتر خواهد بود. بنابراین ما در نسبت دادن چیزی به اهل‌بیت(ع) بدون حجت شرعی و امور یقینی و قطعاً و مجاز نیستیم.

**۴- تطبیق‌ها حوزه نوز نگاهها است.**
حوزه تطبیق، حوزه‌ای بس خطرناک و لغزنده است که حتی برخی از بزرگان ما را به لغزش انداخته است، چرا که صرف وجود یکسری مشابهت‌ها نمی‌تواند دلیل و مجوزی بر تطبیق کامل روایات بر افراد، حوادث و گروهها باشد. مشکل اصلی ما در نشانه‌های آخروائمی دقیقاً همین مطلب است.

**۵- در تطبیق ما همیشه با احتمال تکرار مصادیق مواجه هستیم**

مسا زمانی که احدیتی (با مصادیق واقعی و خارجی آن تطبیق می‌دهیم، همیشه با احتمال تکرار آن مصادیق در آینده مواجه هستیم، چنانکه برخی از بزرگان برخی تطبیق‌هایی را بر اساس روایات انجام داده‌اند که صدها سال بعد مصادیق دیگری عیناً تکرار شده است. بنابراین اگر احتمال تعدد و تکرار مصادیق را در آینده، وارد بدانیم حق تطبیق و تعیین مصادیق را نداریم، چرا که تطبیق و تعیین مصادق ما دروغ خواهد بود.

## سلوک عارفانه عفت و هتک سالک

(بدان ای سالک راه خداله) هر یک از قوای انسانی را طرف افراط و تفریطی است که هر دو، ردیلت است و حد وسط آن، عدالت و فیض است. است. قوه شهویه به نفس بیهمی (حیوانی) را جهت افراط است که به آن شهوت نام می‌دهند و آن عبارت است از شهوترانی و سرخودکردن شهوت (و حاکم کردن آن در رفتارها) چنان که جانب تفریط آن را خود می‌نامند، که باز داشتن قوه شهوت از حد اعتدال و مقدار لازم است. نگاهداری قوه شهوت از افراط و تفریط و رعایت اعتدال در آن، عفت است، و هتک، طرف افراط و غلو آن می‌باشد.

شرح حدیث جنود عقل و جهل، مقصد چهاردهم، امام‌خمینی(ره) ص ۱۶۵